پاسخ مختار به دلیل سوم مانعین

من اصل حرفم را عرض کردم. روی آن تأمل کنید. روی عرض من اشکال دوم و سوم سید هم سراغ جواب هایی است که ظن را از مقصود اصلی این روایات به جای دیگری می‌برد. ظن در حکم، در شبهات حکمیه. جواب اصلی این مستدّل به گمانم همین است: اگر می‌گویید این موجب ظن است به‌معنای هلال شب قبل، این مصادره به مطلوب است. چون شما در آخر می‌گویید باید هلال قبل باشد و این هم ... . کسی که قائل به حجیت رؤیت قبل از زوال است می‌گوید من چه کار دارم دیشب بوده ای نبوده، می‌گوید الآن که قبل از زوال دیدی کافی است ولی قاطع هستی که دیشب نبوده. مصادره به مطلوب است که بخواهید این روایات را با نهی از ظن نفی کنید و بگویید ظن دارید که دیشب هلال دارید. ما که این را نمی‌گوییم. شما روی حرف خودتان روایات نهی را معنا می‌کنید. و اگر می‌خواهید روی مبنای کسی که قائل به اجزاء رؤیت قبل از زوال است بگویید و مصادره به مطلوب نکنید، اینجا روایات نهی، از ظن موضوعی نهی می‌کند. روایت رؤیت قبل از زوال ناظر به قطع موضوعی و بیان حکمش است. بین‌هما بون بعید. نه اطلاق و تقیدی است و نه ... . این اصل حرف من است. دو فضا است. یک روایت دارد حکم قطع موضوعی را می‌گوید، یک روایت دارد از ظن موضوعی نهی می‌کند. روایتی که از ظن موضوعی نهی می‌کند، با روایتی که دارد حکم قطع موضوعی را بیان می‌کند دو تا هستند. آن می‌گویید اگر قطعاً دیدی، هذا الیوم من شوال. تمام. کجایش ظن است؟! بیان حکم است. لذا شبهه حکمیه است. حکم قطع موضوع است. روایت «لیس بالرای و لابالتظنی» نهی از یک ظن موضوعی است که سر سوزنی ربطی به شبهه حکمیه و حکم ندارد. اگر این حرف درست باشد که اینها دو مبنا است، هم در استدلال خلط صورت گرفته؛ نهی از ظن موضوعی را برای قطع موضوعی به کار برده، و هم جواب های سید [خلط شده] و اصل کاری آشکار نشده.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #1
ایجاد شده 5 آوریل 2026 12:07:42 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 آوریل 2026 12:08:03 توسط ... .